Sociological Explanation of Family Values in the Marginalized Neighborhoods of Tehran (with Emphasis on Gender Attitudes)

Narges Rahmani: Ph.D. student in cultural sociology, Science and Reasearch Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. narges.rahmani@srbiau.ac.ir

Taghi Azadarmaki*: Professor, department of sociology, University of Tehran, Iran. azadarmaki@gmail.com

Baqer Saroukhani: Professor, department of sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. b.saroukhani@yahoo.com

Abstract

Introduction: In the current Iranian society situation, few people do not believe in changing family values. Social values are the primary core of social action and the foundation of social order. For this reason, the present study seeks to answer this question. What is the direction of change in family values in the Marginalized neighborhoods of Tehran.

Methods: This study was a qualitative approach study, using the grounded theory method with Strauss and Corbin version. The samples were selected according to purposive and theoretical sampling from people aged eighteen years and above in the marginalized neighborhoods. To matche and compare with other regions, region nineteen and four were selected. Based on the theoretical saturation criteria, thirty in-depth interviews were conducted. Semi-structured interviews were used to collect data.

Results: According to the grounded theory method, gender attitudes toward women's employment, inequality of job opportunities, gender attitudes toward gender, equality between men and women, and decision-making power in the family categories were constructed.

Conclusions: Based on Ronald Inglehart's theory of value change, the findings showed that the direction of value change of the marginalized neighborhoods, like the neighborhoods located in the context of urban society (non-marginalized), tended towards post-a material gender values. In other words, it can be said that the direction of gender attitudes has moved away from traditional views and is moving towards modernity and postmodernity.

Keywords

Family Values, Material and Post-Material Values, Marginalization, Gender Attitudes

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 08 Dec 2021
Accepted: 26 Jul 2022

Please cite this article as follows: Rahmani N, Azadarmaki T, and Saroukhani B. Sociological explanation of family values in the marginalized neighborhoods of Tehran (with emphasis on gender attitudes). Quarterly Journal of Social Work. 2023; 11 (4); 14-24

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

تبیین جامعه‌شناختی ارزش‌های خانوادگی محلات حاشیه‌نشین شهر تهران (با تاکید بر نگرش‌های جنسیتی)

نرگس رحمانی: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. narges.rahmani@srbiau.ac.ir
تقی آزاد ارمکی*: استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران. azadarmaki@gmail.com
باقر ساروخانی: استاد، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.b.saroukhani@yahoo.com

واژگان کلیدی

ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های مادی و فرامادی، حاشیه‌نشینی، نگرش‌های جنسیتی

* نویسنده مسوول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

چکیده

مقدمه: در شرایط کنونی جامعه ایرانی، کمتر کسی است که باور به تغییر ارزش‌های خانوادگی نداشته باشد. ارزش‌های اجتماعی هسته اساسی کنش اجتماعی و پایه و اساس نظم اجتماعی در جامعه محسوب می‌شوند. به‌همین دلیل پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ به این سوال اساسی است که جهت تغییر و تحولات ارزش‌های خانوادگی در محلات حاشیه‌نشین شهر تهران چگونه است؟

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و با نسخه اشتراوس و کوربین انجام‌شده است. نمونه‌ها منطبق بر شرکت‌کننده هدفمند و نظری انتخاب شدند. نمونه‌ها از افراد هجده سال به بالای محلات حاشیه‌نشین و جهت تطبیق و مقایسه با سایر محلات منطقه نوزده و چهار انتخاب شدند. بر اساس معیار اشباع نظری، سی مصاحبه عمیق انجام گرفت. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد.

نتایج: بر اساس روش نظریه گراندد مقوله‌های نگرش جنسیتی به اشتغال زنان، نابرابری فرصت‌های شغلی، نگرش‌های جنسیتی به جنسیت، هم‌سطح بودن زن و مرد، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، برساخت شدند.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش با تکیه‌بر نظریه تغییرات ارزشی رونالد اینگلهارت نشان دادند، جهت تغییرات ارزشی محلات حاشیه‌نشین مورد مطالعه همانند محله‌هایی که در متن جامعه شهری واقع بودند (غیر حاشیه‌نشین) به سمت ارزش‌های جنسیتی فرامادی گرایش داشتند. به‌عبارتی می‌توان گفت سمت‌وسوی نگرش‌های جنسیتی از نگاه‌های سنتی فاصله گرفته و به‌سوی مدرن و پست‌مدرن شدن درحرکت است.

نحوه استناد به مقاله: نرگس رحمانی، تقی آزاد ارمکی و باقر ساروخانی. تبیین جامعه‌شناختی ارزش‌های خانوادگی محلات حاشیه‌نشین شهر تهران (با تاکید بر نگرش‌های جنسیتی). فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۱؛ ۱۱ (۴): ۱۴-۲۴

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

مقدمه

تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تکنولوژی در چندین دهه اخیر، ارزش‌های جوامع پیشرفته صنعتی را از ابعاد بسیار مهمی دچار تغییر و دگرگونی کرده است، به‌طوری‌که نگرش‌های آنان درباره مساله‌های مختلفی از جمله نگرش‌های جنسیتی نیز دگرگون شده است. تا بدان حد که می‌توان اظهار داشت که خواست مردم از زندگی تغییر کرده است.[۱]

جامعه ایرانی نیز همچون سایر جوامع از این تغییر و تحولات عمده مستثنا نبوده و ارزش‌های آن دچار تغییر و دگرگونی شده است. چنانچه اکثر پژوهش‌های که تاکنون انجام شده، نشان از تغییر و تحولات ارزشی در خانواده‌های ایرانی دارد. نتایج یافته‌های[۲و۳] نشان می‌دهد، روند قدرت تصمیم‌گیری توسط همه اعضا خانواده، در مورد مساله‌های مهم رو به افزایش است، به‌طوری که ازهجده ممیز نه دهم درصد در سال ۱۳۸۱ به سی و چهار ممیز هشت دهم درصد در سال ۱۳۹٤ رسیده است. همچنین در خصوص نقش اشتغال زنان و تاثیر آن در ساخت قدرت خانواده یافته‌های پژوهشی[٤] نشان می‌دهد، ساخت قدرت در خانواده‌هایی با زنان شاغل به نسبت خانواده‌هایی با زنان خانه‌دار دمکراتیکتر است.

بنابراین همان‌طور که شواهد تجربی نشان دادند، ارزش‌ها در جامعه ایرانی در حال دگردیسی است. مفهوم ارزش در جامعه‌شناسی، به معنای خوب یا بد، شایسته و مطلوب و ناشایست و نامطلوب نزد یک فرد یا گروه تعریف شده است.[۵] در حقیقت در هر جامعه‌ای ارزش‌های اجتماعی تعیین می‌کنند چه چیزی مهم و چه چیزی از نظر اخلاقی درست است.[٦]

تغییر و تحولات ارزشی در جامعه ایرانی پیامد فرآیند نوسازی، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، جنگ هشت ساله و به‌دنبال آن هشت سال دوران بازسازی و هشت سال دوره باز سیاسی می‌باشد.[۷] این علل و عوامل تغییرات ارزشی؛ منجر به تاثیراتی همچون رشد جمعیت، گسترش شهرنشینی، افزایش مهاجرت به شهرها، رشد و گسترش تکنولوژی، رشد رسانه‌ها، افزایش سطح آموزش زنان، افزایش سطح اشتغال زنان و... شده، که درمجموع در دگرگونی ارزشی جامعه ایرانی نقش بسزایی ایفا نموده‌اند.[۸] یکی ازمساله‌هایی که به‌دنبال تغییر و تحولات عمده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جمعیتی در کلان‌شهرهای ایران ازجمله شهر تهران رخ‌داده، پدیده حاشیه‌نشینی و یا سکونتگاه‌های غیررسمی است، که همچنان تعدادشان رو به افزایش است. به‌طوری‌که رشد جمعیتی مناطق حاشیه‌نشین شهر تهران در طی سال‌های ۱۳٦۵-۱۳۵۵ بین سه تا هفت درصد[۹] و در سال ۱۳۹٦ این جمعیت به بیست درصد رسیده است.[۱۰]

حاشیه‌نشینی شیوه خاصی از اسکان تلقی می‌شود که دارای ویژگی‌های غیر از روش‌های اسکان غیررسمی و عرفی کشور می‌باشد.[۱۱] حاشیه‌نشینیان در بافت‌هایی ساکن هستند که از نظر ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و زیرساخت‌های شهری شدیدا دچار کمبود و نقصان هستند. این سکونتگاه‌ها بدون مجوز رسمی و خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری نظیر طرح‌های جامع و تفصیلی در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به‌وجود آمده‌اند. آن چیزی که در خصوص ارزش‌ها مهم است، این است که تغییرات ارزشی با توجه به شرایط اجتماعی هر جامعه‌ای و خرده فرهنگ‌ها و تنوعات قومی و فرهنگی آن جامعه مانند محلات حاشیه‌نشین و محلاتی که در متن جامعه شهری زندگی می‌کنند باهم فرق دارند، چراکه نظام فرهنگی اجتماعی و اقتصادی هر یک از خرده‌فرهنگ‌ها با یکدیگر متفاوت است. با توجه به ادبیات نظری پژوهش به دو رویکرد در خصوص ارزش‌ها اشاره‌شده است. اولین رویکرد، به پژوهش‌هایی که بر قطبی شدن ارزش‌ها و یا گرایش بر قطبی شدن ارزش‌ها در جامعه تاکید دارند، اشاره شده است. نتایج یافته‌های پژوهشی با موضوع گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و همبسته‌های اقتصادی-اجتماعی، نشان داد، در بستر گذار نسلی از نسل اول به نسل سوم ارزش‌های سنتی کاهش و ارزش‌های مدرن و پسامدرن در خانواده در برخی موارد افزایش یافته است.[۱۲] نتایج یافته‌های پژوهش دیگری با موضوع بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده که با تاکید بر نظریه ارزشی رونالد اینگلهارت انجام شده است، نشان داد که اولویت‌های ارزشی خانواده‌های ایرانی بیشتر به سمت ارزش‌های مادی گرایش دارند.[۷] رویکرد دوم، به آن دسته از پژوهش‌هایی اشاره دارد، که معتقدند ارزش‌ها در جامعه ایرانی التقاطی هستند، یعنی هم شامل ارزش‌های مادی و هم فرامادی است، و ارزش‌ها در ایران حالتی از قطبی شدن ندارند. پژوهشی که با موضوع طبیعت نظام ارزشی جامعه ایران: مادی، فرامادی یا تلفیقی با تکیه‌بر نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت انجام گرفت، نشان داد؛ ارزش‌های جامعه ایران تلفیقی است تا مادی و فرامادی صرف و ارزش‌ها حالتی از قطبی شدن ندارند.[۱۳]

نتایج یافته‌های پژوهش‌های خارجی از جمله پژوهشی که توسط فراری با عنوان نسل‌ها و تغییر ارزش درگذر زمان،

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

انجام‌شده، نیز نشان داد که ارزش‌های جوانان به سمت کیفیت زندگی، خود شکوفایی و محیط‌زیست تغییر یافته است.[۱۴] نتایج پژوهش آستروما با عنوان تغییر ارزش‌ها در جامعه مصرفی نشان داد که اززش‌های فرامادی جایگزین ارزش‌های مادی می‌شوند و تغییرات ارزشی و انتخاب ارزش‌ها در بین جوانان ناشی از جامعه مصرفی می‌باشد[۱۵] نتایج پژوهش دیگری[۱۶] نشان داد که جایگزینی ارزش‌ها بستگی به شرایط دارد به‌طوری که در دوره‌های سخت مثل ویروس کرونا، ارزش‌های حقوق طبیعی، یعنی حق حیات، حق سلامتی، حق آزادی اهمیت بیشتری نسبت به عشق، دوستی و خودشکوفایی پیدا می‌کند.

نظریه تغییر ارزشی رونالد اینگلهارت، بر اساس دو فرضیه مهم کمیابی و اجتماعی شدن استوار است. فرضیه کمیابی به این معنی که اولویت‌های افراد بازتاب محیط‌های اجتماعی و اقتصادی آنان و شخص بیشترین ارزش‌ها را به چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتا کم است. وی می‌گوید کشورهایی که به‌طور نسبی از نظم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند به‌تدریج به سمت ارزش‌های فرامادی مانند آزادی بیان، زیباسازی شهرها و ایجاد جوامع انسانی و عقلانی گرایش می‌یابند. فرضیه اجتماعی شدن، ازنظر وی ارزش‌های اصلی فرد بخش نسبتا مهم و عمیق دیدگاه وی درباره زندگی است، که در همان سال‌های اولیه زندگی فرد یعنی قبل از بلوغ شکل می‌گیرد. اینگلهارت معتقد است این دو فرضیه مکمل و کامل‌کننده یکدیگرند. از نگاه وی بین سطح اقتصادی و نفوذ ارزش‌های فرامادی یک رابطه دوتایی وجود ندارد، زیرا این ارزش‌ها بازتاب درک ذهنی شخصی از امنیت است، نه خود سطح اقتصادی. بر اساس نظر وی دگرگونی ارزشی بیشتر از طریق جایگزینی جمعیت یک نسل به‌جای نسل دیگر انجام می‌گیرد. یعنی زمانی که نسل جوان جایگزین نسل‌های مسنتر می‌شوند. به‌عبارتی ارزش‌های نسل مسنتر با کشمکش‌هایی جای خودشان را به ارزش‌های نسل جوانتر می‌دهد. اینگلهارت در کتاب خود، به نام تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، دوازده گزینه ارزشی مادی و فرامادی را بر اساس سلسله مراتب نیازهای مازلو مطرح کرده است. به این گونه که ارضای نیازهای طبیعی به رشد اهمیت خواسته‌های غیر فیزیولوژیکی یا فرامادی منجر می‌شود. اینگلهارت افرادی را که نگاه مادی و سنتی به ارزش‌ها دارند مادیون می‌نامد و کسانی که تحولات فرهنگی را پذیرا بوده و نگاه مدرنی به مساله‌ها دارند و حمایت از برابری انسان‌ها، نیاز به احترام، رضایت ذهنی و زیبایی‌شناختی و اهمیت به کیفیت زندگی می‌دهند را فرامادیون می‌داند و آنانی که هم ویژگی‌های ارزش‌های مادی و هم فرامادی را دارند تلفیقیون قرارمی‌دهد.[۱]

تا کنون در ایران کمتر پژوهشی به‌طور خاص به موضوع پژوهش حاضر پرداخته است. تحقیقات بسیاری در حوزه حاشیه نشینی انجام گرفته، اما اکثر آنان یا به علل و عوامل ایجاد این‌گونه سکونتگاه‌ها[۱۷] پرداخته‌اند و یا به موضوع آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه نشینی پرداخته شده[۱۸] و یا به ناهنجاری‌های سکونتی، کالبدی و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی آنان پرداخته‌اند[۱۹] از آن‌جایی که جامعه برای رسیدن به‌نظم اجتماعی از ارزش‌ها سود می‌برد و دستیابی به ارزش‌ها موجب فعالیت و شکل‌گیری ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها می‌گردد، پژوهش حاضر در صدد ادغام این دو حوزه، یعنی مطالعه ارزش‌های خانوادگی در محلات حاشیه نشین بوده است. اغلب تحقیقات [۲۰تا۲۳] نیز در هر دو حوزه از طریق روش‌های کمی انجام گرفته است، در حالی که پژوهش حاضر قصد دارد، جهت تغییر و تحولات ارزش‌های خانوادگی ساکنین سکونتگاه‌هایی که به‌عنوان محلات حاشیه‌نشین شناخته شده‌اند را نسبت به سایر محلاتی که در متن جامعه شهری زندگی می‌کنند با استفاده از رویکرد کیفی، شناسایی کند.

روش

این پژوهش کیفی با استفاده از مطالعات اسنادی و مطالعات میدانی یا مصاحبه انجام‌شده است. به‌دلیل این‌که در خصوص این موضوع در محلات حاشیه‌نشین کمتر تحقیقی انجام گرفته، در نتیجه در این پژوهش سعی‌شد از روش نظریه زمینه‌ای با نسخه اشتراوس و کوربین و تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک برای تحلیل داده‌های استفاده شود. تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک، اصولا یک استراتژی توصیفی است که کاوش ما را در شناسایی الگوهایی از تجربیات در بین مجموعه داده‌های کیفی امکان‌پذیر می‌سازد. خروجی تحلیل تماتیک، هم توصیفی از الگوها و طرح جامع و بنیادین است که آن‌ها را به هم

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

مرتبط می‌کند و هم دربردارنده الگوهای فراگیری است که به‌واسطه آن‌ها مقوله‌ها و فرآیندها ظاهرمی شوند.[۲۴]

جامعه‌آماری پژوهش، محلات حاشیه‌نشین گلشن یا خاک سفید، شمیران‌نو در منطقه چهار و محلات دولتخواه شمالی، دولتخواه جنوبی و اسماعیل‌آباد در منطقه نوزده با سایر محلاتی که در مناطق نوزده و چهار واقع شده بودند، تطبیق و مقایسه شد. روش کار به این‌صورت بود که ابتدا با مرور ادبیات پژوهش، تعدادی از شاخص‌های مهم، استخراج شدند و در نهایت سوالات مصاحبه نیمه‌ساختار یافته تدوین گردید و در جلسات مصاحبه از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد. سوالات در خصوص نگرش‌ها و ارزش‌های آنان در مورد اشتغال زنان، فرصت‌های شغلی میان زنان و مردان، تفاوت جنسیتی زن و مرد و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده بود. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش زنان و مردان هجده سال به بالا را شامل می‌شد. همچنین در این پژوهش از شرکت‌کننده هدفمند و نظری استفاده شد. داده‌هایی که از پژوهش حاضر جمع‌آوری می‌شدند به‌صورت هم‌زمان مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفته و داده‌های جدید به‌دست آمده در مقایسه با سایر داده‌ها مورد تحلیل و کدگذاری قرار می‌گرفتند. کدگذاری، استخراج داده‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo انجام شد.

داده‌ها پس از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با سی مشارکت‌کننده به اشباع داده و نظری رسید. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از اقداماتی مانند مشارکت مداوم در بافت طبیعی پژوهش و پیاده‌سازی سریع مصاحبه‌ها، بهره برده شد. همچنین از تکنیک ممیزی یا استفاده ازنظر متخصصان در مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و برساخت مقولات استفاده گردید. با اجازه مشارکت‌کنندگان تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس پیاده‌سازی شدند. هریک از مصاحبه‌ها بین بیست دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید. اصل رازداری در مورد اطلاعات مشارکت‌کنندگان رعایت گردید.

یافته‌ها

قبل از این‌که به یافته‌های پژوهش حاضر پرداخته شود، لازم است به معرفی اجمالی، محلات حاشیه‌نشین موردمطالعه، اشاره شود. محله گلشن یا خاک سفید و شمیران‌نو به‌ترتیب با جمعیت پنجاه و هفت هزار و سیصد و دوازده؛ و چهل و چهار هزار و هشتصد و پنجاه و هفت نفر در منطقه چهار و محله دولتخواه شمالی، دولتخواه جنوبی و اسماعیل‌آباد با جمعیتی به‌ترتیب چهار هزار و صد و سی و هفت، یازده هزار و نه صد و شصت و چهار ؛ و سه هزار و هشتصد و هشتاد و هفت نفر در منطقه نوزده شهرداری تهران واقع‌شده‌اند. کلیه محلات حاشیه‌نشین مورد مطالعه پژوهش حاضر، از بعد ویژگی‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار داشتند. متوسط سرانه‌های خدمات بهداشتی درمانی، خدمات آموزشی، سرانه کاربری فضای سبز و... در این محلات بسیار پایینتر از استانداردهای لازم شهری می‌باشد.[۲۹-۲۵]

در پژوهش حاضر از مجموع سی مشارکت‌کننده، پانزده زن و پانزده مرد بودند. هفت نفر، در گروه سنی هجده تا بیست و نه و پانزده نفر، در گروه سنی سی تا پنجاه و چهار و هشت نفر، نیز در گروه سنی پنجاه و پنج سال به بالا قرار داشتند. تعداد متاهلین هفده نفر، مجردین هفت نفر، مجرد براثر طلاق یک نفر، مجرد براثر فوت دو نفر، متارکه دو نفر و نامزد یک نفر بودند. تعداد بی‌سوادان دو نفر، زیر دیپلم دو نفر، محصل دو نفر، دیپلم دوازده نفر، فوق‌دیپلم دو نفر، لیسانس شش نفر و فوق‌لیسانس سه نفر بودند. تعداد شاغلین بیست نفر، بی‌کار یک نفر، بازنشسته چهار نفر و خانه‌دار نیز پنج نفر بودند.

با توجه به این‌که پرسش اساسی این پژوهش شناسایی جهت‌های ارزشی خانوادگی در مورد جنسیت بود، اما بر اساس داده‌ها مفاهیمی از مصاحبه‌ها به‌دست‌آمد و مقولاتی برساخت شدند که در زیر آورده شده است.

در جدول شماره یک نمونه‌ای از نحوه ساخته‌شدن و چگونگی حرکت از کدگذاری باز به محوری و گزینشی بازگو شده است. این جدول، ماحصل ادغام کلیه جداول کدگذاری شده باز شامل شش جدول به تعداد هر یک از محلات، می‌باشد. مقوله‌های عمده با ارجاع به درک و دیدگاه افراد مورد مطالعه و ارتباط مقوله‌ها با پدیده محوری و پیوند آنان با ادبیات پژوهش، در قالب یک مدل پارادایمی ترسیم‌شده است. لازم به ذکر می‌باشد در این پژوهش سعی شده از روایت‌های مشابه و متعددی که نمایانگر معنای مفاهیم و مقولات بوده، تنها به یک نمونه از آنان بسنده شود. هسته مرکزی پژوهش که همان نگرش‌های جنسیتی فرامادی است که شامل مقولات فرعی مانند نگرش جنسیتی به اشتغال

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

زنان، نابرابری فرصت‌های شغلی، نگرش‌های جنسیتی به جنسیت، هم‌سطح بودن زن و مرد و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده بود.

نگرش جنسیتی به اشتغال زنان: این مقوله حاصل ادغام مفاهیمی چون موافق کار زنان به‌دلیل سختی شرایط اقتصادی، و زنان توانمندتر از مردان؛ بود. مشارکت‌کنندگان در مجموع به‌دلایل مشکلات اقتصادی و مالی با اشتغال زنان در بیرون از خانه موافق بودند. آنچنان که یک زن شصت و هشت ساله، متاهل، بی‌سواد، خانه‌دار، ساکن دولتخواه شمالی و جنوبی می‌گوید: «آره خانوما هم باید کار کنن الان تو این وضعیت اقتصادی خوبه که خانوما کار کنن.» مرد سی و سه ساله، مجرد، بی‌کار، دارای تحصیلات اول

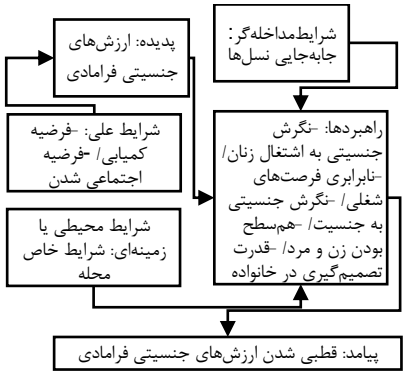

نمودار(۱) پارادایم یا مدل الگویی محلات گلشن(خاک سفید)، شمیران نو، دولتخواه شمالی و جنوبی، اسماعیل‌آباد و سایر محلات منطقه ۱۹و٤

جدول(۱) کدگذاری محله گلشن یا خاک سفید(گ)، شمیران نو(ش)، دولتخواه شمالی و جنوبی(د)، اسماعیل‌آباد(ا) و سایر محلات منطقه ۱۹(س۱۹) و ٤(س٤)

مفاهیم اولیه	مقولات فرعی	مقوله اصلی
موافق کار زنان به‌دلیل سختی شرایط اقتصادی(ش‌داس۱۹) زنان توانمندتر از مردان(گ‌س۴)	نگرش جنسیتی به اشتغال زنان	ارزش‌های جنسیتی فرامادی
امکان کار دون‌پایه برای زنان، پرداخت دستمزد کمتر به زنان (گ‌ش‌س۴داس۱۹)	نابرابری فرصت‌های شغلی	
تفاوت نگذاشتن بین دختر و پسر (گ‌ش‌س۴داس۱۹)	نگرش جنسیتی به جنسیت	
هم‌سطح بودن زن و مرد (گ‌ش‌س۴داس۱۹)	هم‌سطح بودن زن و مرد	
مشورت با همدیگر (+)(گ‌ش‌س۴داس۱۹)	قدرت تصمیم‌گیری در خانواده	

دبیرستان، ساکن شمیران‌نو می‌گوید: «مردم خداییش گرفتار شدن، واقعا گرفتار شدن. شما ببینید، خیلیا مجبورن که می‌رن سرکار. الان تو هر صد نفر، عینه صد نفرشون تو زندگی گرفتارن.» برخی نیز معتقد بودند اگر شرایط اشتغال برای زنان ایجاد شود، هم منجر به درآمدزایی برای آنان می‌شود و هم می‌تواند نقش مهمی در بهبود و پیشبرد اقتصاد خانواده داشته باشند. به‌طوری که زن سی و هفت ساله، متاهل، خانه‌دار، دیپلم، ساکن شمیران‌نو می‌گوید: «اگر آدم بتونه سر کار بره، و البته اگر کار هم باشه خوبه. اگرآدم بتونه کمک‌خرج خانواده باشه خوبه.» برخی نیز به توانمند بودن زنان نسبت به مردان معتقد بودند و مدعی بودند، مسوولیت‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان سبب شده در اداره امور نیز دارای موفقیت‌های زیادی گردند. آنان تاکید داشتند اگر مدیریت امور کارها توسط زنان صورت گیرد، جامعه دارای دستاوردهای بهتری خواهد بود. آنچنان که مرد پنجاه و پنج ساله، متاهل، لیسانس، ساکن گلشن می‌گوید: «من بازدهی کار خانوما رو از آقایون بیشتر می‌دونم، چون خانوما دل مهربانی دارند. یه خانومی که مادر می‌شه (مکث) اصلا مادر، خودش یه کلمه الهی است یه مادر می‌خواد مسوولیتش رو به نحو احسن انجام بده. هرکجا خانوما راس کار بودند خروجیش هم خیلی خوب بوده.» زن سی و هشت ساله، متاهل، لیسانس، خانه‌دار، ساکن سایر محلات منطقه چهار می‌گوید: «خانوما توانمندن. وقتی می‌تونن یه زندگی رو اداره کنن حتما می‌تونن یه کشور رو هم اداره کنن.» تعدادی نیز علاوه بر نگاه مادی و اقتصادی به اشتغال زنان، معتقد بودند کار بیرون از خانه از سویی سبب پیشگیری از رخوت و سستی در آنان می‌شود و از سویی دیگر منجر به سرزندگی و نشاط میان زنان می‌گردد، که این امر، کمک به افزایش امید به زندگی زنان می‌کند. به‌طوری که زن سی و پنج ساله، متاهل، لیسانس، ساکن محله گلشن می‌گوید: «زنی که خونه می‌مونه احساس می‌کنم خیلی تنبله. کنار این‌که زنان شاغل، کمک‌خرج خانواده‌ان، احساس می‌کنم که سرزنده‌ترن، بشاشترن، امید به زندگیشون هم بالاتره.»

جهت ارزشی این مقوله در دولتخواه شمالی و جنوبی، شمیران‌نو، اسماعیل‌آباد و سایر محلات منطقه نوزده تلفیقی بود. چون مشارکت‌کنندگان از سویی نگاه اقتصادی و مالی نسبت به‌کار زنان داشتند، و از سویی دیگر با کار زنان در بیرون از خانه موافق بودند، اما جهت ارزشی این مقوله در گلشن فرامادی بود، زیرا نگرش‌هایشان نسبت به توانایی‌های زنان با نگرش‌های قدیمی و سنتی فاصله داشته، و کار زنان در بیرون از خانه را سبب سرزندگی برای آنان می‌دانستند.

نابرابری فرصت‌های شغلی: این مقوله حاصل ادغام مفاهیم مشابه، چون امکان کار دون‌پایه برای زنان و پرداخت دستمزد کمتر به آنان بود. برخی از مشارکت‌کنندگان به نابرابری دستمزدها بین زنان و مردان در محیط کاری تاکید داشتند. آنان معتقد بودند جذب نیروی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

کار زن، توسط شرکت‌ها، به‌دلیل پرداخت دستمزد پایین به آنان است. به‌طوری که مرد هجده ساله، مجرد، دیپلم، شاغل، ساکن دولتخواه شمالی و جنوبی می‌گوید: «الان شما به در و دیوار نگاه کنید، می‌بینند که آگهی زدن و گفتن به یه خانم نیازمندیم. یه دونه آگهی ندیدم که بگه به‌کارگر آقا نیازمندیم. حالا چرا اینجوریه؟ چون دستمزد کمی به خانوما می‌دن.» برخی نیز علاوه بر نابرابری دستمزدها به نابرابری فرصت‌های کاری بین زنان و مردان در محیط‌های کاری نیز تاکید داشتند، و معتقد بودند باوجود توانمند بودن زنان، اما همچنان پست‌های مدیریتی در دست مردان است. آنچنان که زن سی و هفت ساله، مجرد، لیسانس، شاغل، ساکن سایر محلات منطقه نوزده می‌گوید: «حداقل، تو جامعه ما، موقعیت‌های شغلی و کاری و امتیازات حقوقی بین خانوما و آقایون رعایت نمی‌شه. اصولا مدیران رده‌بالا و قانون‌گذاران مردن. اکثریت غریب به‌اتفاق نمایندگان مجلس، آقایون هستن. رییس قوه مجریه کشور یه مرده. تو جامعه ما تربیت مردانه وجود داره. خانوما که توانایی مدیریت خونه رو دارن صددرصد توانایی کارای بزرگی مثلا مثل رییس‌جمهور شدن را هم دارن. درآمد و دستمزد خانم و آقا متفاوته. همه فکر می‌کنن چون یه خانومه و یه نفر رو داره که ازش حمایت کنه، حقوقشون رو کمتر می‌دن. تو جامعه ما خانوما خیلی زودتر و راحتر می‌تونن کار برا خودشون پیدا کنن، اما حقوق کمتری می‌گیرن؛ با توجه به این‌که، کار بیشتری هم انجام می‌دن.» این مقوله با توجه به مفاهیم اولیه جدول شماره یک، در کلیه محلات مورد مطالعه دارای ارزش‌های فرامادی است، چون نگاه مشارکت‌کنندگان نسبت به زنان، مدرن و پست‌مدرن بود، زیرا ارزش‌های آنان نسبت به زنان و مساله‌های و مشکلات آنان متحول شده و از نگاه‌های سنتی و قدیمی فاصله گرفته است.

نگرش‌های جنسیتی به جنسیت: این مقوله حاصل ادغام مفاهیم مشابه مانند، تفاوت نگذاشتن بین دختر و پسر، در تمامی محلات مورد مطالعه بود. برخی تاکید داشتند در شرایط حال حاضر جامعه ایرانی تفاوتی بین دختر و پسر ندارد. چنانچه مرد سی و هفت ساله، متاهل، فوق‌دیپلم، شاغل، ساکن دولتخواه شمالی و جنوبی می‌گوید: «تو کشور ما بین دختر و پسر هیچ فرقی نمی‌کنه. تو شرایط الان چه دختر داشته باشم چه پسر داشته باشم به حال آدم فرقی نمی‌کنه.» برخی نیز به برابری زن و مرد تاکید داشتند. زن سی و هشت ساله، متاهل، دیپلم، شاغل، ساکن سایر محلات منطقه نوزده می‌گوید: «اگر می‌خواستم دوباره به دنیا بیام، دوست دارم بازم همون دختر به دنیا می‌یومدم. الان زمونه‌ای نیست که دختر تو خونه زندونی باشه. الان زن و مرد باهم برابرند.» جهت ارزش‌های کلیه محلات موردمطالعه این مقوله فرامادی است، چون این مقوله از ارزش‌های سنتی دور شده، و دیگر مثل گذشته پسر داشتن ارزش محسوب نمی‌شود.

هم‌سطح بودن زن و مرد: این مفهوم برگرفته از عبارات خود متن است و به‌دلیل انتزاعی بودن آن، عینا به مقوله فرعی انتقال داده شده است. مشارکت‌کنندگان تاکید داشتند، اگر زن و شوهر هم‌سطح یکدیگر باشند، زندگی همراه با آرامش بیشتری خواهند داشت، به‌خصوص اگر این هم‌سطح بودن از بعد فرهنگی و اخلاقی باشد. چنانچه زن بیست و دو ساله، متاهل، دیپلم، شاغل، ساکن گلشن می‌گوید: «آره به‌نظر من هم‌سطح باشن خیلی بهتره، خیلی آدم راحت‌تر کنار می‌آید با همدیگه. اگر آدم هم‌سطح خودش رو پیدا کنه، خیلی بهتره. حالا ازنظر مالی پایینتر باشه، آدم یه جوری می‌تونه کنار بیاد، ولی از لحاظ فرهنگی و اخلاقی نه، آدم نمی‌تونه کنار بیاد.» جهت ارزش‌های این مقوله به سمت ارزش‌های فرامادی است، چون از هنجارها و ارزش‌های سنتی و قدیمی فاصله گرفته، و به سمت برابری و عدالت‌خواهی درحرکت است.

قدرت تصمیم‌گیری در خانواده: این مقوله حاصل ادغام مفاهیم مشابه مانند، مشورت با همدیگر، در تمامی محلات مورد مطالعه بود. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند هم اکنون دوره‌ای است که برای تصمیم‌گیری‌های امور زندگی باید با یکدیگر گفتگو و مشورت کرد. آنان تاکید داشتند در خصوص مساله‌های با یکدیگر مشورت می‌کنند. به‌طوری که مرد سی و هفت ساله، متاهل، فوق‌دیپلم، شاغل، ساکن دولتخواه شمالی و جنوبی می‌گوید: «اگر بخوام در مورد چیزی تصمیم بگیرم با خانومم مشورت می‌کنم. دوره، دوره بحث کردنه، نه جنگ، نه دعوا، نه جدل، نه بی‌احترامی. دوره دوره‌ایه که باید بحث کنیم ببینیم حرف معقول کدومه.» جهت ارزش‌های کلیه محلات موردمطالعه فرامادی بود، چون تاکید به گفتگو و مشورت با یکدیگر در خصوص امور زندگی داشتند. گفتگو با یکدیگر نشان‌دهنده این است که ارزش‌هایشان از تک رای بودن هنجارها

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

و ارزش‌هـای سـنتی فاصلـه گرفته اسـت.

عوامل موثـر بر ارزش‌های جنسـیتی فرامـادی: پارادایـم و یـا مـدل الگویـی محـلات موردمطالعـه، بـا توجـه به‌نظریـه تغییـرات ارزشـی اینگلهـارت و اسـناد و نتایـج یافته‌هـا شـکل‌گرفته کـه در زیـر به‌اختصـار به هریک پرداخته‌شـده اسـت.

شـرایط علـی: شـرایط علـی، شـرایطی هستند که مسـتقیم بر پدیده و یا همان هسته مرکزی تاثیـر می‌گذارند.[۳۰] با تکیه‌بر نظریه تغییرات ارزشـی اینگلهارت، فرضیه کمیابی و فرضیه اجتماعی شـدن ازجمله شرایط علی بودند که بـر پدیده مرکزی و یـا ارزش‌های جنسیتی فرامادی مشارکت‌کنندگان تاثیرگذار بودنـد. به‌عبارتی می‌توان گفت از بعد فرضیه کمیابی، ارزش‌های مشارکت‌کنندگان بازتاب شـرایط اقتصادی و اجتماعـی آنان بوده و از بعد فرضیه اجتماعی شدن نیز ارزش‌های آنان تحـت تاثیر دوران کودکی و زمان‌های قبل از بلوغ آنان بوده است.

شرایط مداخله‌گر: شـرایط مداخله‌گر شـرایطی هسـتند که تغییردهنده شرایط علی هستند.[۳۱] از نگاه اینگلهارت تحولات ارزشی زمانی صورت می‌گیرد، که یک نسل جایگزین نسـل قبلی شده باشد. به‌عبارتی‌دیگر دگرگونی ارزش‌های جنسـیتی فرامـادی مشـارکت‌کنندگان زمانـی رخ می‌دهد کـه ارزش‌های فرزندان به‌جای ارزش‌های والدین خود نشسـته باشـد.

عوامل محیطی و یا زمینه‌ای: عوامل محیطی و یا زمینه‌ای شرایطی هسـتند که در یـک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند و مسـاله‌هایی را به‌وجود می‌آورند که اشخاص با تعامل‌های خود به آن پاسخ می‌دهند.[۳۱] بر اسـاس اسـناد موجود، عوامـل زمینه‌ای همـان ویژگی‌های خاص محلات حاشیه‌نشین بودند که بر ارزش‌های مشارکت‌کنندگان تاثیرگذار بودند. مسـاله‌های و مشکلات حقوقی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان ازجمله عواملی هست که در پدیده مرکزی نقش داشتند.

راهبردهـا: راهبردها همـان تاکتیک‌ها، اعمال و یا شـیوه‌های عمل کنشـگران اسـت.[۳۰] راهبردهای مشـارکت‌کنندگان بـر ارزش‌های جنسیتی فرامادی عبارتند از: نگرش جنسیتی به اشتغال زنان (موافق کار زنان به‌دلیل سـخت بودن شـرایط اقتصادی، زنان توانمندتر از مردان)؛ نابرابری فرصت‌های شـغلی (امکان کار دون‌پایه بـرای زنان، پرداخت دسـتمزد کمتر به زنان)؛ نگرش جنسـیتی به جنسیت (تفاوت نگذاشتن بین دختر و پسـر)؛ هم‌سطح بودن زن و مرد (هم‌سطح بودن زن و مرد)؛ قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (مشورت با همدیگر) بود.

پیامدهـا: پیامدها، ماحصـل عوامل و راهبردها هسـتند.[۳۰] پیامد مجموعـه عوامل نامبرده و راهبردهای مشـارکت‌کنندگان، قطبی شـدن ارزش‌های جنسیتی فرامادی بود.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله سعی دارد جهت ارزش‌ها و نگرش‌های حاشیه‌نشینان محلات گلشن یا خاک سفید، شمیران‌نو، دولتخواه شمالی، دولتخـواه جنوبی و اسـماعیل‌آباد را با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسـی کـه در جامعه ایرانی طی چندین دهه اخیر رخ‌داده شناسایی و سپس با سایر محلات مناطق نوزده و چهار مقایسه و تطبیق کند.

نتایج یافته‌های پژوهش نشـان داد، ارزش‌های حاشیه‌نشـینان موردمطالعه همانند سـایر محلاتی که در متن جامعه شهری، مناطـق نـوزده و چهـار بودند، از نگاه‌های سـنتی و قدیمی جامعه ایرانـی فاصله گرفته و حرکت خود را به سمت‌وسـوی ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن و یا به قول اینگلهارت همان ارزش‌های فرامادی آغاز کرده‌اند. به‌طوری‌که ارزش‌های آنان در حوزه نگرش جنسیتی به جنسیت دارای تغییر و تحولاتی شده است، به‌گونه‌ای که آنان تاکید داشتند در شرایط حال حاضر جامعه ایرانی، بین دختر و پسر هیچ تفاوتی وجود ندارد. به‌عبارتی می‌توان گفت از دیدگاه حاشیه‌نشینان، دیگر همانند گذشته داشتن پسر ارزش محسوب نمی‌شود و پسر دیگر مانند قدیم عصای دست دوران پیری پدر به‌حساب نمی‌آید. به معنایی دیگر می‌توان گفت نقش پسر به‌عنوان سرمایه اجتماعی و اقتصادی در خانواده‌های مورد مطالعه به مرور زمان کم‌سو و کم رنگتر شده است. این نوع نگاه به جنسیت پسر، به‌دلیل این است که نقش زنان در عرصه خانواده و جامعه نسبت به گذشته پررنگتر و نمود بیشـتری پیداکرده اسـت. به‌این معنا که سطح گرایش به تحصیل در زنان، تمایل زنان به اشتغال و کار بیرون از خانه و ورود آنان به فعالیت‌های اجتماعی نسبت به سال‌های قبل افزایش‌یافته است. همین نگاه در خصوص مقوله هم‌سطح بودن بین زنان و مردان هم وجود دارد، زیرا فاصله‌های فرهنگی و اجتماعی که در دوران گذشته میان زنان و مردان وجود داشت، امـروزه رنگ‌باخته‌اند و جای خود را به ارزش‌های جدید و دیگری داده‌اند، به‌طوری‌که حاشیه‌نشـینان معتقد بودند زنان و

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

مردان در زندگی زناشـویی، بایستی در تمامی ابعاد به‌خصوص فرهنگی با یکدیگر هم‌سطح باشند، زیرا هم‌سطح بودن به افراد کمک می‌کند تا آرامش بیشتری در زندگی احساس کنند، از سویی دیگر این امر می‌تواند از بسـیاری مساله‌ها و مشکلات در زندگی زناشـویی پیشگیری نماید. نتایج یافته‌هـا در خصوص مقوله قدرت تصمیم‌گیری در خانواده نیز از هنجارهای سـنتی دور شده، و ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن جایگزین ارزش‌های قدیمی گردیده اسـت، به‌طوری‌که دیگر مانند گذشته، پدر خانواده تنها تصمیم‌گیرنده نهایی محسوب نمی‌شود، بلکه همه اعضای خانواده در خصوص مسـاله‌های مهم با یکدیگر به مشـورت و گفتگو می‌نشـینند. چنانچه حاشیه‌نشینان تاکید داشـتند در حال حاضر شرایط به گونه‌ایسـت که باید با یکدیگر صحبت و گفتگو کرد، و دیگر دوران تک رای بودن به اتمام رسـیده اسـت. نتایج یافته‌ها در خصوص مقوله نگرش‌های جنسیتی به اشتغال زنان نیز دگرگون‌شده و ارزش‌های جدید دیگری جایگزین ارزش‌های سـنتی و گذشـته شده است، به‌طوری‌که نگاه حاشیه‌نشـینان نسـبت به زنان با توجه به ارزش‌هـای جامعه ایرانی تغییر کرده اسـت، زیرا آنان تاکید داشـتند زنان نسـبت به مردان بسیار توانمندتر و مسـوولیت‌پذیرتر هسـتند و معتقد بودند در عرصه‌هایی که زنان حضور فعال دارند دستاوردهای بسیاری را به ارمغان خواهند آورد. آنان معتقد بودند زنان که توانایی انجام اداره امور خانه را بر عهده‌دارند، می‌توانند بسـیاری از مسـوولیت‌هایی که در محیط‌های کاری بر عهده آن‌ها گذاشـته می‌شـود را به‌خوبی انجـام دهند. حاشیه‌نشـینان تاکید داشتند زنان شـاغل کمک‌کننده و یاری‌دهنده خانواده‌های خود بوده و در پیشـبرد و بهبود اقتصاد خانواده نقش بسـزایی دارند. در خصوص مهم بودن و نقش اشـتغال زنان، نتایج یافته‌های پژوهشی[۳۲] با موضوع زمینه‌های اجتماعی خشـونت‌های خانگی، با توجه به روایت‌های زنان، نشـان می‌دهد زنان شـاغل به‌دلیل در اختیار داشتن منابع مالی نسبت به دیگر زنان، از پیامدهای منفی خشونت‌های خانوادگی در امانتر هستند. نتایج پژوهشـی دیگـری[۳۳] با موضوع جایـگاه زن در هرم قدرت در خانواده، نشان می‌دهد، مهمترین عوامل تاثیرگذار بر جایگاه زن در هرم قدرت خانواده، آموزش از یک‌سو و اشتغال زنان از سویی دیگر است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشـان داد ارزش‌های حاشیه‌نشـینان نسبت به نابرابری فرصت‌های شـغلی از هنجارهای سنتی و گذشته فاصله گرفته، و ارزش‌های جدیدتری نسـبت به این مسـاله جایگزین شـده اسـت. آنان تاکید داشـتند با وجود توانمند بودن، امـا زنان همچنان از نابرابری فرصت‌های شغلی در رنج هستند، و همچنان دچار بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه هستند. حاشیه‌نشینان معتقد بودند در جامعه ما پست‌های مهم و مدیریتی در اختیار مردان بوده و زنان همچنان از این فرصت‌ها بی‌بهره و دورمانده‌انـد. آنان مدعی بودند شـغل‌های دون‌پایه با دسـتمزدهای ناچیز سهم زنان جامعه ایرانی است. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و بـا نگاهی به جدول شـماره یـک می‌توان گفت ارزش‌های مشـارکت‌کنندگان محلات حاشیه‌نشـین کـه دارای ویژگی‌های خاص و محـروم بودند با سـایر محلاتی که در متن مناطق شهری نوزده و چهار قرار داشتند، مشابه بود. به‌عبارتی تمامی محلات موردمطالعه در حوزه نگرش‌های جنسـیتی دارای جهت‌های ارزش‌های فرامادی بودند.

در این قسمت نتایج یافته‌های پژوهش حاضر جهت همسـو بودن و یا همسـو نبودن آن با نتایج یافته‌های پیشـینه پژوهش و مبانی نظری مورد مقایسه قرارگرفته است. در تحلیل نهایی از روایت عمیق ارزش‌های فرامادی جنسـیتی می‌توان گفت نتایج یافته‌های پژوهش حاضر، بیشـتر نظریه‌ها و رویکردهایی را تایید می‌کند که مدعی‌اند ارزش‌های جنسـیتی به سـمت مدرن شـدن و ارزش‌های فرامادی درحرکت است. یافته‌های این پژوهش با نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت همسـو نبود.[۱] بر اساس نتایج یافته‌ها و مجموعه مقوله‌های این پژوهش می‌توان بیان کرد، که محلات حاشیه‌نشین با توجه بـه کمبودهـا و محرومیت‌ها و خاص بودن موقعیتشـان نه‌تنها بـه ارزش‌های مادی پایبند نبودنـد، بلکه به‌مراتب نگاه فرامادی به ارزش‌های جنسیتی در خانواده داشتند.

اینگلهـارت در فرضیـه اول خـود کـه همـان فرضیه کمیابیسـت مدعی اسـت که اولویت‌های افراد بازتاب محیط‌های اجتماعی و اقتصادی آنان اسـت و شـخص بیشـترین ارزش‌هـا را به چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتا کم اسـت، به بیانی دیگر چیزی دارای ارزش است که نادر و کمیاب باشد.[۱]

در اینجـا پژوهـش حاضر قصـد دارد نگاه دیالکتیکی به این امر داشته باشد، به‌گونه‌ای که هر چیزی ضد خودش را می‌سـازد. به‌عبارتی نیاز به ارزش‌های فرامادی مشارکت‌کنندگان، پاسـخی به وضع موجود محلات حاشـیه‌ای است. به‌عبارتی علی‌رغم این‌که این محلات ازنظر اقتصـادی در وضعیت نامطلوب بسـر

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

می‌برند و طبق دیدگاه اینگلهارت خواسته‌ها باید مادی باشند اما برعکس آن رخ‌داده و گرایش مشارکت‌کنندگان به سمت ارزش‌های فرامادی و مدرن و پست‌مدرن بوده است. اینگلهارت معتقد است بین سطح اقتصادی و نفوذ ارزش‌های فرامادی یک رابطه دوتایی وجود ندارد،[۱] چون‌که این ارزش‌ها بازتاب درک ذهنی شخصی از امنیت هستند نه خود سطح اقتصادی. بنابراین، آنچه مسلم است چیزی که در محلات حاشیه‌نشین در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری کمبودش احساس می‌شود و کمیاب و نادر است نیاز به برابری خواهی، نیاز به فرصت‌های برابر جنسیتی و شغلی، نیاز به گفتگو کردن و مشورت کردن با یکدیگر، نیاز به برابری جنسیتی، نیاز به تفاوت نگذاشتن بین زنان و مردان می‌باشد. این نیازهای فرامادی به قول اینگلهارت وابسته به زمان و مکانی خاصی نیستند بلکه در وجود هر آدمی هستند و یکی از اجزا نیازهای او می‌باشند.[۱] همه افراد بشر نیاز به آثار زیبایی‌شناختی دارند که این امر در همه جوامع حتی در فقیرترین جوامع مشاهده‌شده است.

نتایج یافته‌های این پژوهش، نتایج یافته‌های پژوهش آزاد ارمکی که متاثر از نظریه تغییر ارزشی اینگلهارت بود را، تایید نکرد، زیرا آزاد ارمکی در آن پژوهش نشان می‌دهد، ارزش‌های جامعه ایران تلفیقی است، تا مادی و فرامادی صرف. به‌عبارتی یافته‌های مقاله حاضر که حالتی از قطبی شدن را نشان می‌دهد، از رویکرد تفاوت نسلی آزاد ارمکی فاصله گرفته است.[۱۳] یافته‌های پژوهش حاضر با برخی پژوهش‌ها همسو بود. نتایج یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش مدیری را تایید کرد، زیرا نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد، در بستر گذار نسلی از نسل اول به نسل سوم، ارزش‌های سنتی کاهش و ارزش‌های مدرن و پسامدرن در خانواده در برخی موارد افزایش‌یافته است.[۱۲]

یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج پژوهش فراری را تایید کرد، زیرا یافته‌های وی نشان داد که ارزش‌های جوانان به سمت کیفیت زندگی، خود شکوفایی و محیط‌زیست تغییریافته است.[۱٤]

نتایج یافته‌های پژوهش حاضر یافته‌های طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان را تایید کرد، زیرا قدرت تصمیم‌گیری در ایران به سمت ارزش‌های فرامادی درحرکت است.[۲و۳]

با توجه به چارچوب نظری اینگلهارت، برای حفظ نظم و تعادل در جامعه ارزش‌های مادی و فرامادی توامان باید وجود داشته باشد. منتهی رسیدن به نقطه معین هر یک از آنان مهم است که جامعه دچار هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی نشود.[۱]

محدویت‌ها: بزرگترین مشکلی پیش روی پژوهش حاضر در خصوص گردآوری داده‌ها بود، زیرا این پژوهش در حین جمع آوری داده‌ها با بحران همه‌گیری کرونا مواجه شد، و همین امر باعث شد که روند گردآوری داده‌ها به کندی و به تاخیر انجام شود.

پیشنهاد: پیشنهاد می‌شود برای ادامه مطالعه و پژوهش، مجموعه مقولاتم رتبط، به‌طور مجزا، عمیق و ژرفانگر موردپژوهش و واکاوی قرار گیرند.

سپاسگزاری: از زحمات متخصصان و مشارکت‌کنندگان که این پژوهش یاری نمودند و بدون همکاری آنان انجام این پژوهش میسر نمی‌شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع: نویسندگان این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارند.

منابع

References:

1. Inglehart R. Culture shift in advanced industrial society. 3 ed. New Jersey, Princeton University Press, 1989. [Persian] https://www.jstor.org/stable/2131733
2. Office of national plans. Values and attitudes of Iranians. Ministry of Culture and Islamic Guidance. Iran, Tehran. 2003: 59. [Persian] http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3538950
3. Office of national plans. Values and attitudes of Iranians. Research Institute of Culture and Arts and Social Relations of the Ministry of Interior. Iran, Tehran. 2015: 76. [Persian] https://ircud.ir/fa/content/283625
4. Naseri S, Sarukhani B. Investigating the factors affecting power building in the family (case study of Tehran. Social Sciences Quarterly of Islamic Azad University, Shushtar Branch, 2017. 11(2): p. 1-22. [Persian] https://jss.shoushtar.iau.ir/article_533229.html?lang=fa
5. Rafipour F. Anomie a study of potential for anomie in Tehran. 2007, Tehran: Soroush Publishers . [Persian]
6. Mohseni M. Introduction to Sociology, ed. 7. 1991, Tehran: Manouchehr Mohseni. [Persian] http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/497083

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]

7. Azad Armaki T, ZahiriNia M. Investigating value types and cultural changes in the family. Family Research Quarterly. 2010. 17(23): p. 297-279. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_95761.html
8. Madani S, Khosravani A. Factors influencing the orientation (material values / meta-material values) of students (Master students of the Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Arak Branch). Sociological Studies of Iran, 2011. 2(7): p. 123-143. [Persian] https://journals.iau.ir/article_512103.html?lang=en
9. Silent bomb of outskirts in Tehran. 2018, News N. 774912; www.tabnak.ir. [Persian] https://www.tabnak.ir/003Faa
10. Athari K. Marginalization in Tehran quadrupled. 2013, Magazin N.2976, News N.742655; donya-e-eqtesad.com. [Persian] https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-742655
11. Aghabakhshi H, Hajyousefi A, Kakuyi H. Marginalization and informal housing: A collection of articles. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences Publications. 2003. [Persian] https://pub.uswr.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=50&pageid=16331&newsview=4743
12. Modiri F. Different types of family values and its socio-economic correlations in Tehran. Applied Sociology Quarterly, 2017. 29(1): p. 166-147. [Persian] https://doi.org/10.22108/jas.2017.75182.0
13. Azad Armaki T. The nature of the value system of Iranian society: Material, postmaterial compilation. Journal of Culture-Communication Studie, 2004. 1(10): p. 1-15. [Persian] http://ensani.ir/fa/article/download/281046
14. Ferrari M. Generations and value changes across time, International Review of Sociology,2000 10:2, 223-233, DOI: 10.1080/713673997
15. Austruma S. Change of values in the consumer society. 3rd International interdisciplinary scientific conference society. health. welfare –1st congress of rehabilitation doctors of Latvia. SHS Web of Conferences. Volum2, 2012. https://doi.org/10.1051/shsconf/20120200004
16. Dodonova V, Dodonov R .Transformation of social values during a pandemic and problems of global solidarity. Skhid. Social Philosophy Journal, 2020 (3 (167)): p. 21-26. http://skhid.kubg.edu.ua/article/view/206757
17. Laden A, Razghi Shirsavar H. Reasons for marginalization in the metropolis of Tehran. Urban Management Quarterly 2009. 1(3): p. 64-79. [Persian] https://www.sid.ir/FileServer/JF/6004113880304
18. Amiri M, Pourmousavi SM, Sadeghi M. Study of social harms caused by marginalization in district 19 of Tehran municipality from the perspective of city managers. Journal of Urban Economics and Management. 2013. 2(5): p. 119-137. [Persian] http://dorl.net/dor/20.1001.1.23452870.1392.2.5.9.6
19. Piran P. Rapid urbanization and heterogeneous growth. Political-Economic Monthly Quarterly, 1989(3): p. 56-59. [Persian] https://www.sid.ir/paper/428288/fa
20. Qelich M. (Dissertation) Cultural globalization and its impact on marital values and family relationships. Tehran; Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2012. [Persian] http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3154285
21. Zahedi MJ, Nayebi H, Danesh P, Nazak Tabar H. Sociological explanation of the effect of the modernization process on family structure. Women's Strategic Studies, 2013; 16(61): 97-148. [Persian] https://dorl.net/dor/20.1001.1.20082827.1392.16.61.4.0
22. Mahdavi MS, Modiri F. Generational analysis of postmodern family values and its determinants: With emphasis on the role of religiosity. Sociology of Social Institutions, 2017; 4(9): 155-187. [Persian] https://doi.org/10.22080/ssi.2017.1563
23. Rashidi Al Hashem A, Soleimani M. Investigating marginal behaviors. Quarterly Iranian Social Science Studies, 2012. 9(35): p. 2-18. [Persian] https://journal.khalkhal.iau.ir/article_527923.html?lang=fa
24. Given L. The sage encyclopedia of qualitative research methods. 2008; New York, Sage Publications. https://doi.org/10.4135/9781412963909
25. Golshan neighborhood development office. Golshan neighborhood development document. Municipal Renovation Organization. 2019: Iran Tehran. [Persian]
26. Shemiran No neighborhood development office. Shemiran No neighborhood development document. Municipal Renovation Organization. 2019: Iran Tehran. [Persian]
27. North Dolatkhah Neighborhood Development Office. North Dolatkhah neighborhood development documen. Municipal Renovation Organization 2019: Iran Tehran. [Persian]
28. South Dolatkhah Neighborhood Development Office. South Dolatkhah neighborhood development document. Municipal Renovation Organization. 2019: Iran, Tehran. [Persian]
29. Esmail Abad Neighborhood Development Office. Esmail Abad neighborhood development document. Municipal Renovation Organization. 2019. [Persian]
30. Farasatkhah M. Qualitative research method in social sciences: With emphasis on grounded theory. 2020, Tehran: Publishing Agah. [Persian] http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4354910
31. Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research techniques and procedures for developing grounded theory, ed. fourth. New York, Sage Publications, Inc. 2016. [Persian] https://us.sagepub.com/en-us/nam/basics-of-qualitative-research/book235578#description
32. Yekekar S, Aghabakhshi H, Hosseini Haji Bakande SA. Social themes of domestic violence against women. Quarterly Journal of Social Work. 2019; 8 (3) :49-59. [Persian] http://socialworkmag.ir/article-1-511-en.html
33. Sarukhani B. Research on the position of women in the power pyramid in the family. Women's Research Quarterly, 2005. 3(2): p. 59-29. [Persian] https://jwdp.ut.ac.ir/article_13245.html?lang=fa

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-24]